

دفاع از رفرم یا رفرمیسم؟

در حاشیه «انقلاب در کشاکش فرصتها و رفرمیسم»¹

نازنین و یامین

مقدمه

رامین بهاری مقاله‌اش را با این جمله می‌آغازد که "...پرداختن موشکافانه به مسائل مبرم چپ امروز ایران و همچنین واریسی مفهوم سوسیالیسم عملی و بازخوانی آن، ضرورتی اجتناب ناپذیر است". در همدلی و همنظری با این جمله، به "واریسی موشکافانه" نقطه نظر اصلی این مطلب می‌پردازیم.

رفرم یا رفرمیسم؟

از عنوان مقاله ("انقلاب در کشاکش فرصتها و رفرمیسم") تا استنتاج نویسنده ("چپ مارکسی ... بهتر است به تلاش‌ها و نظریه‌های طبقه و اقشار دیگر جامعه بماند" "فرصت" نگاه و اندیشه کند، نه اینکه بخواهد هر پراتیک یا رفرمی را تماماً نفی نماید...") چنین برداشت می‌شود که نویسنده دقت لازم را برای تمایز دادن «رفرم» از «رفرمیسم» بخرج نداده است.

"چپ مارکسی" نه تنها مخالف رفرم و فرصتهایی که در راستای پیشبرد مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند، نیست بلکه رفرم را ابزاری برای نیل به هدف نهایی تعریف می‌کند. برعکس، همین چپ که رامین برای نمونه از نازنین و یامین نام می‌برد- مخالف «رفرمیسم» است! در واقع رودرو قراردادن «رفرم» با «انقلاب»، نخستین بدعتی بود که ادوارد برنشتاین -یعنی بنیانگذار رویزیونیسم و چپ رفرمیست- گذاشت!

رُزا لوکزامبورگ -در کتاب «رفرم یا انقلاب»² (۱۹۰۰)- ضمن نقد مواضع رفرمیستی برنشتاین توضیح داد که الف) رفرم و انقلاب ایداً متضاد هم نیستند؛ بلکه رفرم ابزاری است که نیل به هدف نهایی (انقلاب) را هموار می‌کند ب) انقلابیون مخالف رفرم نیستند، بلکه مخالف رفرمیسم هستند ج) انقلاب، محصول رفرم نمی‌باشد. بعلاوه تصریح کرد که رفرمیسم و انقلاب، دو راهکار مختلف برای رسیدن به هدف مشترک نیستند و نادرست است که انقلاب را رفرم متراکم شده و رفرم را، انقلاب درازمدت بنامیم! د) در نبرد برای رفرم و بهبود شرایط زیست و کار است که توده‌ها به تشکلات صنفی، اتحادیه‌ای و پارلمانی رومی‌آوردند. اما اینها برای از میان برداشتن روابط تولیدی کاپیتالیستی کفایت نمی‌کنند. هدف جنبش کارگری، سازمان دادن انقلاب بمنظور تصرف قدرت سیاسی و برپایی نظام سوسیالیستی است.³

لنین توضیحات رزا لوکزامبورگ را تکامل بخشید و خاطر نشان کرد:

«عقیده کاملاً غلطی خواهد بود که مبارزه بلاواسطه برای انقلاب سوسیالیستی، اینطور معنی شود که ما می‌توانیم و یا باید مبارزه برای رفرم را رها کنیم. ایداً... اختلاف ما و رفرمیستها... این نیست که ما مخالف رفرم‌ها و آنها موافق‌شان هستند. اختلافات مان از این جنس نیستند. آنها خودشان را به رفرمها محدود می‌کنند... و نتیجتاً به نقش "بیمارستانی که برای [بیمار] کاپیتالیسم ترتیب داده شده" تمکین می‌کنند... [اما] ما به کارگران می‌گوئیم: ... وظیفه اصلی خود را این بدانید که بطور سیستماتیک، ایداً انقلاب بلاواسطه سوسیالیستی را گسترش دهید، برای چنین انقلابی آماده شوید و همه عرصه‌های

فعالیت حزبی را بگونه‌ای رادیکال بازسازی کنید. شرایط دموکراسی بورژوازی، غالباً واداران می‌کند که موضع معینی در قبال انبوهی از رفرمهای کوچک و خرد اختیار کنیم، اما ما باید قادر به فراگیری و برگزیدن اینچنین موضع [رادیکالی] در برابر این رفرمها باشیم...»⁴

یانیس واروفاکیس، یک رفرمیست؟

رامین در نقد مواضع مقاله «چپ رفرمیست و الگوی اسکاندیناوی»⁵ می‌نویسد: «تحلیل فوق هرچند الگویی از نقد انقلابی به جریان رفرمیسم چپ است اما آیا چقدر توانسته واقعیت موجود از توازن نیروها و مبارزه طبقاتی دنیای پیچیده امروز را در قضاوت خود لحاظ کند؟! آنجا که یانیس واروفاکیس «اقتصاددان سوسیالیست را در رکاب ... حزب سوسیال رفرمیست سیریزا» می‌داند. در حالی که محتوای کتاب مانیفست حزب کمونیست از نگاه «یانیس واروفاکیس»، اقتصاددان یونانی این چنین روزآمد و نکته‌سنج است...»

بعد هم نقل‌قولهایی از کتاب «مانیفست در قرن بیست و یکم»⁶ (نوشته واروفاکیس) می‌آورد تا به استنتاجی که فوقا عینا نقل شد، برسد.

کسی که وقایع یونان را در دهه‌های اخیر دنبال کرده و با روند پاگیری حزب سیریزا و نحوه قدرت‌گیری الکیسی سپیراس و انتخاب یانیس واروفاکیس بعنوان وزیر اقتصاد و ... آشناست، از زاویه سوسیالیسم انقلابی، نتیجه‌ای غیر از آنچه که در مقاله یادشده آمده، نمی‌گیرد.

حزب سیریزا با ژست چپ‌گرایی و با نقد سیاستهای نئولیبرالیستی بمیدان آمد و موفق شد تا در سال ۲۰۱۵ بیشترین کرسی‌های پارلمانی را تسخیر کند. اما کارنامه این حزب بعد از چهار سال چیست؟

ائتلاف با حزب دست راستی افراطی «یونانی‌های مستقل»، پشت کردن به نتایج همه‌پرسی و تصویب تفاهم‌نامه‌های ریاضتی که وقیح‌ترینش در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۵ بود؛ تحمیل ریاضت اقتصادی به اردوی کار یونان؛ پرداخت بدهی‌ها از صندوق‌های بازنشسته‌گان، کارگران و هزینه‌های تامین اجتماعی و ...

این اقدامات نه تنها هیچ «فرصت»ی برای ارتقای مبارزه طبقاتی فراهم نکرد بلکه یک «فرصت» طلایی را از اردوی کار یونان برای مقابله با کاپیتالیسم جهانی ربود!

اگر رامین هنوز ادعا دارد که مواضع رفرمیستی سیریزا یک «رفرم» و «یک فرصت» بود، جا دارد تا با یک «ارسی موشکافانه» ادعایش را مستدل نماید.

ژولای ۲۰۱۹

¹ این مطلب بقلم رامین بهاری است که در آزادی بیان درج شده است.
² Rosa Luxemburg, *Reform or Revolution*. لینک دسترسی به «اصلاح یا انقلاب»، ترجمه انتشارات سیاهکل. دو ترجمه دیگر هم از این کتاب در دست است (لینک دسترسی ۱ و لینک دسترسی ۲ متن خلاصه شده).
³ به نقل از مقاله «رزای سرخ (۱)» نوشته ی. کهن. لینک دسترسی
⁴ Lenin, *Principles Involved in the War Issue*, ترجمه نازنین و یامین
⁵ نوشته نازنین و یامین. لینک دسترسی
⁶ مانیفست در قرن بیست و یکم: یانیس واروفاکیس ترجمه‌ی نرگس ایمانی. لینک دسترسی